



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
انجمن حقوق انسان اسلامی در ایران



پنج نوشتار در خصوص تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران از منظر حقوق، اخلاق و الهیات مسیحی

(از جمله آثار منتشره فراملی مربوط به تحلیل انسانی تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران)

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

بهار ۱۴۰۵

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در قبال تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران در اسفند ماه ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵، در سطح جهانی واکنش های گسترده ای نزد ملت های مختلف شکل گرفت. این واکنش ها در مواردی مشابه واکنش های پس از تجاوز ۱۲ روزه به ایران بود و در مواردی با واکنش های برجسته تر همراه شد به ویژه که در این تجاوز جدید علاوه بر ترور عالی ترین مقام ایران، برخی جنایات غیر انسانی همانند هدف قرار دادن مدرسه شجره طیبه میناب و به شهادت رساندن قریب به ۲۰۰ نفر از دانش آموزان و معلمان و کادر اداری مدرسه، هدف قراردادن ورزشگاه و خانه های مردم در لامرد با بمب های خاص دارای آثار غیر انسانی گسترده، هدف قراردادن ده ها مدرسه، دانشگاه، ورزشگاه، مرکز درمانی، آثار میراث فرهنگی و دیگر زیر ساخت های مردمی ایران، توجه جهانی را بیشتر به خود جلب کرد. اظهار نظرهای خود ترامپ در خلال جنگ رمضان و هفته های پس از آن نیز مزید بر علت شد تا جهانیان بهتر دریابند که وی از ارتکاب هر گونه جنایتی ابا ندارد و حتی تهدید به از بین بردن یک تمدن چند هزار ساله را مطرح می سازد یا اینکه حاضر است به تعبیر خودش «برای تفریح و سرگرمی» مرتکب جنایت غیر انسانی شود.

در چنین فضایی که اکثر ملت ها موضعگیری در محکومیت جنایات آمریکا و اسرائیل داشته اند، به طور طبیعی از نهادهای تخصصی حقوقی و حقوق دانان و حتی مراکز دینی و اخلاقی در سراسر دنیا انتظار بیشتری می رفت که واکنش جدی نشان دهند چرا که این نهادها و افراد بهتر ابعاد نقض حقوق بین الملل و حقوق بشر و اخلاق را درک می کنند فلذا هر گونه سکوت یا همراهی آنها با جنایتکاران امری غیر قابل قبول و شایسته نکوهش جلوه می کند.

در پاسخ به انتظار منطقی یاد شده، برخی از نهادهای تخصصی حقوقی یا حقوقدانان و فعالان دینی و اخلاقی واکنش های مناسبی هم از حیث محتوا و هم از حیث فوریت اعلام نظر داشتند. اما بعضی نهادها و افراد متأسفانه محافظه کاری پیشه کرده و سخنی نگفتند که موجبات غضب مسئولان آمریکا یا رژیم اشغالگر اسرائیل را در پی داشته باشد یا اگر حرفی زدند دوپهلو و مبهم سخن گفتند و با عباراتی بی خاصیت، هر دو طرف را به کاهش تنش دعوت کردند یا ضمن اشاره به تجاوز آمریکا چند مطلب منفی نیز علیه ایران مطرح کردند.

برای آنکه مخاطبان ایرانی بهتر مطلع شوند که کدام نهادهای تخصصی حقوقی و یا حقوقدانان بین المللی و کارشناسان حوزه اخلاق و دین موضعگیری شفاف داشتند و کدام نهادها و کارشناسان هیچ موضعگیری نکرده یا مواضع بی خاصیتی داشتند، امور پژوهشی کمیسیون مناسب دانست که اولاً بررسی دقیقی در خصوص موضعگیری های فراملی داشته باشد و موارد در خور توجه را گردآوری نماید. ثانیاً مصادیق برجسته را انتخاب و به فارسی برگردان نماید و در دسترس مخاطبان فارسی زبان قرار دهد.

گزارش حاضر یکی از همین مجموعه آثار گردآوری شده است.

در این گزارش ۵ نوشتار انتخاب شده از سوی کمیسیون، منعکس شده است. مورد اول را فردی نوشته که اگرچه اعتبار دینی نزد محافل مسیحیان کاتولیک آمریکا دارد در عین حال متخصص اخلاق جنگ است و در این زمینه تالیف دارد، مورد دوم را یک پژوهشگر الهیات مسیحی نوشته و صراحتاً تصریح کرده که جنگ ترامپ ربطی به دین ندارد و بر خلاف موازین اخلاقی و دینی است، نوشتار سوم را یکی از کارشناسان مسیحیت نوشته و موضع کلیسای انجیلی به عنوان حامیان صهیونیست و ترامپ را در جنگ افروزی مورد انتقاد قرار داده است. نوشتار چهارم را یک دانش پژوه دکترا مطالعات الهیات مسیحیت نگاشته و لایه های زیرین تفکر مسیحیت انجیلی در گرایش به جنگ و خشونت و همراهی با ترامپ و نتانیاهو را تحلیل کرده است و در نوشتار آخر، بیانیه مشترک دو کلیسا بازتاب یافته که بلافاصله بعد از شروع تجاوز به ایران موضعگیری کرده اند و صراحتاً تأکید کرده اند که این جنگ، جنگ اسرائیل است و ترامپ در عین مذاکره با ایران مرتکب تجاوز شده و حق و اخلاق و انسانیت را نقض کرده است. مطالعه این آثار شناخت ما از نگرش مسیحیان در خصوص تجاوز به ایران یا قبل آن در خصوص مواردی چون نسل کشی در غره را عمیق تر می سازد. شایان ذکر است مواضع جناب پاپ لئو چهاردهم، رهبر کاتولیک های مسیحی جهان در قبال تجاوز به ایران در خور تقدیر است که جداگانه ابعاد فنی نظرات وی موضوع گزارش دیگری از سوی کمیسیون قرار گرفته است.

امور پژوهشی کمیسیون ضمن تأکید بر اینکه ترجمه و بازتاب هر مقاله خارجی به معنای تأیید همه دیدگاه های مطرح شده نویسندگان نیست، یادآوری می نماید که در روند نهایی سازی ترجمه حاضر، در مواردی برخی کلمات داخل براکت [] در متن هر نوشتار افزوده شد، توضیحاتی در زیر نویس صفحات مختلف متون درج گردید و معادل انگلیسی برخی اصطلاحات یا کلمات مهم در زیر نویس هر صفحه منعکس شد تا فهم موضوع بهتر انجام پذیرد. منابع ارجاعی انگلیسی هر نویسنده نیز عیناً ذیل هر صفحه حفظ گردید.

با امید به اینکه ارتقای آگاهی های عمومی در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به کشورمان، موجبات تقویت حساسیت ها برای دفاع از حقوق انسانی و ملی را فراهم سازد و همه بیش از گذشته تلاش کنیم که ظرفیت های ملی و جهانی را در خدمت اجرای عدالت و پاسخگو کردن جنایتکاران قرار دهیم، متن گزارش تهیه شده بشرح آتی تقدیم میشود .

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

خرداد ۱۴۰۵

♦ نویسندگان (به ترتیب درج در این مجموعه): جان داوِنپورت، استاد اخلاق کاربردی در مؤسسه حقوق بشر هاروارد / نوشته الکساندر مِشر، پژوهشگر الهیات مسیحی / دنیس پی. آلن، کشیش کلیسای گاردن سیتی در پیتسبرگ، پنسیلوانیا / متیو بورک هولدر، دانش پژوه دکترا، مطالعات الهیات، دانشگاه تورنتو / نمایندگان جهانی کلیسای متحد مسیح و کلیسای شاگردان مسیح در آمریکا و کانادا

♦ متصدی برگردان انگلیسی به فارسی مقاله: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، خرداد ۱۴۰۵

♦ مآخذ (به ترتیب درج در این مجموعه): سامانه مجله امریکا (americamagazine.org)، ۲۶ مارس ۲۰۲۶ / سامانه استنفورد دیلی (stanforddaily.com)، ۱۵ آوریل ۲۰۲۶ / صفحه لینکدن نویسنده و نشریه افق های اسلامی در آمریکا (Islamic Horizons)، یکم می ۲۰۲۶ / سامانه کانورسیشن (<https://theconversation.com>)، ۱۸ مارس ۲۰۲۶ / سامانه خدمات جهانی وابسته به کلیسای متحد و کلیسای شاگردان مسیح و سامانه هر یک از دو کلیسای مزبور

(<https://www.globalministries.org/>)، (www.ucc.org)، (disciples.org)، دوم مارس ۲۰۲۶

♦ شناسه متن: ۰۵/۱/۱۱۵

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

امور پژوهشی کمیسیون از هر گونه نظر و پیشنهاد مخاطبان ارجمند به ویژه صاحب نظران و کارشناسان محترم در راستای ارتقای تلاش ها استقبال می کند. مشارکت در فعالیت های عام المنفعه نیز برای همه میسر است.

www.ihrc.ir

فهرست مطالب:

نوشتار اول) بمباران غیر نظامیان در ایران برای نجات سربازان [آمریکایی]، نقض اخلاق و حقوق بین الملل است / ص ۶

نوشته جان داوِنپورت، استاد اخلاق کاربردی در مؤسسه حقوق بشر هاروارد، نویسنده کتاب «قانون اخلاقی جنگ»، «اخلاق در جنگ‌های مدرن»، «اصلاحیه‌های دموکراسی» و استاد فلسفه در دانشگاه فوردهام با تدریس اخلاق، فلسفه سیاسی، نظریه دموکراتیک و حقوق بشر

نشر در بیست و ششم مارس ۲۰۲۶ برابر با ششم فروردین ۱۴۰۵ شمسی

نوشتار دوم) جنگ در ایران یک عمل مسیحی نیست / ص ۱۲

نوشته الکساندر مشر، پژوهشگر الهیات مسیحی و دانش پژوه کارشناسی ارشد هوانوردی و فضاوردی
نشر در پانزدهم آوریل ۲۰۲۶ برابر با بیست و ششم فروردین ۱۴۰۵ شمسی

نوشتار سوم) مسیحیان انجیلی، جنگ ایران و الهیات آخرالزمان / ص ۱۷

نوشته دنیس پی. آلن، کشیش کلیسای گاردن سیتی در پیتسبرگ، پنسیلوانیا
نشر در یکم می ۲۰۲۶ برابر با یازدهم اردیبهشت ۱۴۰۵ شمسی

نوشتار چهارم) جنگ مقدس انجیلی: چرا برخی از مسیحیان فکر می کنند ترامپ جهان را به پایان [موعود] خواهد رساند / ص ۲۳

نوشته متیو بورک هولدر، دانش پژوه دکترا، مطالعات الهیات، دانشگاه تورنتو
نشر در هجدهم مارس ۲۰۲۶ برابر با بیست و هفتم اسفند ۱۴۰۴ شمسی

نوشتار پنجم) بیانیه مشترک کلیسای شاگردان/پروان مسیح در آمریکا و کانادا و کلیسای متحد مسیح در باره حملات ایالات متحده و اسرائیل به ایران / ص ۲۹

نشر در دوم مارس ۲۰۲۶ برابر با یازدهم اسفند ۱۴۰۴ شمسی

متن نوشتار اول:

بمباران غیرنظامیان در ایران برای نجات سربازان [آمریکایی]، نقض اخلاق و حقوق بین الملل است

نوشته جان داوِنپورت، استاد اخلاق کاربردی در مؤسسه حقوق بشر هاروارد، نویسنده کتاب «قانون اخلاقی جنگ»، «اخلاق در جنگ‌های مدرن»، «اصلاحیه‌های دموکراسی» و استاد فلسفه در دانشگاه فوردهام با تدریس اخلاق، فلسفه سیاسی، نظریه دموکراتیک و حقوق بشر

(نشر در ۲۶ مارس ۲۰۲۶ برابر با ششم فروردین ۱۴۰۵ شمسی)

ملت ما وظیفه دارد از جان سربازانش محافظت کند و آن‌ها را تنها زمانی به جنگ فراخواند که برای دستیابی به یک هدف عادلانه ضروری باشد و این هدف ایده‌آل باید با متحدانی محقق شود که روابط اعتماد عمیقی با آن‌ها پرورش داده‌ایم. متأسفانه، طی سه دهه گذشته، ایالات متحده و برخی از متحدانش سعی کرده‌اند با افزایش استفاده از بمباران و سلاح‌های خودمختار هدایت شده از راه دور، تلفات سربازان خود را کاهش دهند.

ایالات متحده در حال گسست از اصل اخلاقی مرکزی است که در کنوانسیون‌های لاهه و ژنو و پروتکل‌های آن‌ها تجسم یافته است؛ اصل اینکه حفظ جان غیرنظامیان همواره باید بر مزایای نظامی کوتاه‌مدت ترجیح داده شود. حتی پیش از تدوین آن پروتکل‌ها، نویسندگان قانون اساسی ایالات متحده چنین هنجارهایی را با اعطای اختیار به کنگره برای «تعریف و مجازات» تخلفات نیروهای مسلح آمریکا [در موارد ارتکاب اقدامات] علیه «قانون ملل»^۱ (یعنی حقوق بین‌الملل) نهادینه کردند. کنگره نیز از این اختیار در نگارش «کد متحدالشکل عدالت نظامی»^۲ و «قانون جنایات جنگی»^۳ سال ۱۹۹۶ استفاده کرد.

^۱. The Law of Nations

^۲. Uniform Code of Military Justice

^۳. 1996 War Crimes Act

دلیلی وجود دارد که اصل حفظ جان غیرنظامیان به ستون فقرات حقوق بین‌الملل تبدیل شده است. تجربه طولانی بشر به ما آموخته است که اگر قدرت نظامی صرفاً بر مبنای ملاحظات منافع راهبردی^۴ هدایت شود و از طریق [لزوم] احترام به بی‌گناهان محدود نگردد، حتی برای کسب دستاوردهای تاکتیکی اندک یا افزایش کوچک در امنیت سربازان، می‌تواند جمعیت‌های غیرنظامی را نابود کند. وقتی هر ملت یا گروه شبه‌نظامی به این شیوه می‌جنگد، بی‌احترامی کامل به جمعیت عموم مردم دشمنان خود را نشان می‌دهد و آن‌ها را نه تنها به عنوان اهداف مشروع، بلکه حتی به عنوان موجوداتی بدون اهمیت اخلاقی تلقی می‌کند.

این نتیجه‌ای فاجعه‌بار است. این رویکرد به فجایعی مانند نابودی ۹۰ درصد غزه برای کشتن مبارزان حماس، حملات اسرائیل به هتل‌های بیروت و بمباران آمریکایی تصادفی^۵ مدرسه‌ای دخترانه در تهران^۶ به دلیل استفاده سهل‌انگارانه از اطلاعات قدیمی منجر شده است. در واقع، طبق افشای رسانه پروپابلیکا، دولت ترامپ مرکز جدید حفاظت از غیرنظامیان پنتاگون را لغو کرد، «سطح [استانداردهای صدور] مجوز برای استفاده از نیروی مرگبار»^۸ را کاهش داد، دسته‌بندی اهداف را توسعه بخشید و ارزیابی تهدیدات را بزرگ‌نمایی کرد^۹ - همه این اقدامات به بهانه توجیه بمباران بیشتر انجام شد.

کینه و نفرتی^{۱۰} که از چنین سوءاستفاده کورکورانه^{۱۱} علیه غیرنظامیان (که می‌تواند شامل حملات به زیرساخت‌های حیاتی مانند تصفیه‌خانه‌های آب و نیروگاه‌ها باشد) نشر می‌یابد، چشم‌اندازهای صلح بلندمدت و روابط دوستانه میان همه ملل را که در توافقنامه‌های هلسینکی^{۱۲} بر آنها تاکید شده، به شدت محدود می‌کند. به نظر می‌رسد ریس ترامپ

^۴. Considerations of strategic advantage

^۵. Morally irrelevant

^۶. The accidental American bombing

^۷. احتمالاً نویسنده نمی‌دانسته که بمباران معروف روز اول جنگ علیه یک مدرسه در ایران، مورد مدرسه شجره طیبه میناب است و مشابه آن کشتار گسترده در دیگر مناطق کشور از جمله تهران که مدارس و مراکز آموزشی مورد حمله قرار گرفته‌اند، واقع نشده است. نکته دیگر در خور توجه آن است که نویسنده فرض را بر پذیرش تفسیر مراکز نظامی و رسانه‌ای آمریکا قرار داده که در اولین واکنش‌ها به بمباران مدرسه میناب ادعا کردند که به صورت تصادفی و غیر عمدی این اتفاق افتاده است. چندی بعد، رسانه‌های خود آمریکا و کشورهای دیگر با تحقیق و بررسی، اعلام داشتند که این جنایت تصادفی نبوده بلکه کاملاً هدفمند و عامدانه صورت گرفته است. (توضیح افزوده بر متن)

^۸. lethal force

^۹. The hatred

^{۱۰}. Indiscriminate abuse

^{۱۱}. Helsinki Accords

و بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، فکر می‌کنند که امنیت ایالات متحده، اسرائیل و مردان و زنان نظامی ما با آموزش نفرت بیشتر مردم جهان از ما بهتر تأمین می‌شود - نتیجه‌ای که مطمئناً نسل‌های آینده تروریست‌های بیشتری را به وجود خواهد آورد.

در ایالات متحده، ما سال‌هاست که مردان و زنان جوان را در آکادمی‌های نظامی آموزش می‌دهیم تا درک کنند چرا مقاومت در برابر این سقوط به سوی تاکتیک‌های راحت اما بی‌هدف که منجر به تلفات غیرنظامی می‌شود، حیاتی است؛ تلفاتی که به وضوح با دستاوردهای تاکتیکی و با جان سربازانی که ممکن است حفظ شوند، تناسب ندارد. از سربازانمان انتظار می‌رود ریسک بیشتری را برای خود بپذیرند تا خطر هم برای غیرنظامیان آمریکایی و هم برای غیرنظامیان در مکان‌هایی مانند ایران، غزه، عراق، سوریه و لبنان کاهش یابد.

این کاری کوچک نیست. چنین خطرپذیری اضافی [برای خود در قبال صدمه نزدن بی‌مورد به غیرنظامیان] شایسته کسب بالاترین افتخار انسانی است. و این همان چیزی است که سربازان ما را از تروریست‌هایی متمایز می‌کند که غیرنظامیان بی‌دفاع را هدف قرار می‌دهند یا آن‌ها را به سپر انسانی^{۱۲} تبدیل می‌کنند.

اما فرماندهان سیاسی ما به این اصل مقدس خیانت کرده‌اند و ما را در سرایشی لغزنده‌ای^{۱۳} فرو برده‌اند. با نگاهی به ماجرای «سقوط بلک هاوک» در سومالی در سال ۱۹۹۳، هزینه سیاسی تلفات نظامی باعث شده است که رهبران ایالات متحده و کشورهای متحد آن، بیش از پیش به بمباران به عنوان یک تاکتیک نظامی تکیه کنند. پس از دخالت ایالات متحده در عراق و افغانستان، این ایده که نباید هیچ «پای در زمین» (نیروی زمینی) آمریکایی^{۱۴} [برای اجتناب از خطر کشته یا مجروح شدن آنها در جنگ] وجود داشته باشد، در میان رأی‌دهندگان که شاید درک نکنند [این

توضیح افزوده بر متن: نویسنده به پیام پاپ ژان پل دوم رهبر کاتولیک‌های جهان ارجاع داده که برای کنفرانس مربوط به توافقات هلسینکی ۱۹۷۵ ارسال کرده با عنوان ارزش و محتوای آزادی وجدان و دین. متن پیام مزبور در لینک زیر قابل دسترس است:

https://www.vatican.va/content/john-paul-ii/en/messages/pont_messages/1980/documents/hf_jp-ii_mes_19800901_helsinki-act.html

^{۱۲} Human shields.

^{۱۳} Slippery slope

^{۱۴} American “boots on the ground”

ادعا را [که تنها جایگزین واقعی، بمباران گسترده است - که احتمالاً منجر به ۱۰ برابر بیشتر تلفات غیرنظامی نسبت به استفاده دقیق از نیروهای زمینی می‌شود - محبوبیت پیدا کرده است

پیام بی‌ارزش شمردن جان غیرنظامیان

مشکلات بسیاری در تکیه بر بمباران به عنوان راه آسان سیاسی برای جنگیدن وجود دارد. اولاً، همان‌طور که من می‌کردن‌های^{۱۵} جنگ طلبانه و زشت آقای ترامپ نشان می‌دهد، این رویکرد سیاستمداران سطحی‌نگر را تشویق می‌کند تا خونریزی و ویرانی شهری را مانند یک بازی ویدیویی ببینند. همان‌طور که کاردینال بلیس ج. کوپیش^{۱۶} اخیراً اظهار داشت، نگاه کردن به «رنج مردم ایران» به عنوان سرگرمی،^{۱۷} منجر به از دست رفتن تهوع آور انسانیت می‌شود.

ثانیاً، وابستگی بیش از حد به بمباران برای مردم عادی که در خط آتش گیر افتاده‌اند، به عنوان مایه نخوت و غرور^{۱۸} تعبیر می‌شود. این [نحوه رفتار، این] پیام را به قربانیان منتقل می‌کند که کشور مهاجم این کار را «فقط چون توانایی اش را دارد» انجام می‌دهد - تصویری که ترامپ تأیید کرد وقتی گفت ایالات متحده ممکن است دوباره به جزیره خارک در ایران حمله کند «فقط برای سرگرمی».^{۱۹}

ثالثاً، به نظر می‌رسد جنگیدن از مراکز کنترل از راه دور، بدون مواجهه و همکاری با مردم در محل عملیات، نشانه‌ای از ترس و بزدلی باشد، همان‌طور که سربازان ما در عراق و افغانستان مجبور بودند انجام دهند. تمام یادگیری دوطرفه حاصل از چنین همکاری‌ای نیز از بین می‌رود.

اما بدترین جنبه تاکتیک‌های «اول بمباران» ما این است که آن‌ها به طور مؤثری ارزش جان غیرنظامیان در کشورهای هدف را بسیار کمتر از جان سربازان خودمان قلمداد می‌کنند. این جنبه‌ای اغلب نادیده گرفته شده از اصل «تناسب»^{۲۰} (آن‌طور که به طور گسترده درک می‌شود) در اصول جنگ عادلانه^{۲۱} است. بر اساس آموزه‌های کاتولیک، نظریه

^{۱۵} Memes

^{۱۶} Cardinal Blase J. Cupich

^{۱۷} Entertainment

^{۱۸} Arrogance

^{۱۹} Just for fun

^{۲۰} Proportionality

^{۲۱} Just war principles

جنگ عادلانه و حقوق بین‌الملل، خسارات ناشی از یک حمله نظامی باید با منافع نظامی متناسب باشد (نگاه کنید به کاتیشم کلیسای کاتولیک، شماره ۲۳۰۹).^{۲۲} اما علاوه بر این، هزینه‌های تحمیل شده به غیرنظامیان در هر دو طرف نمی‌تواند نامتناسب با خطراتی باشد که برای سربازان ایجاد می‌شود. این هنجار گاهی «اصل احتیاط»^{۲۳} یا «مراقبت کافی»^{۲۴} نیز نامیده می‌شود. همان‌طور که الهی‌دان اخلاق، توبیاس وینرایت^{۲۵} استدلال می‌کند، نیروهای نظامی وظیفه دارند آسیب به غیرنظامیان را کاهش دهند «حتی اگر این بدان معنا باشد که خطری متوجه رزمندگان شود».

اسرائیل به‌طور آشکارا این الزام را در غزه نقض کرده است. فرماندهان نظامی اسرائیل استدلال می‌کردند که تلفات ناشی از ویرانی مراکز شهری غزه، با دستاوردهای نظامی هم‌تناسب بوده است. اما آن‌ها می‌توانستند نتایج یکسان یا حتی بهتری را از طریق تهاجم زمینی و حرکت خانه‌به‌خانه به دست آورند. در عوض، نیروهای اسرائیلی مثلاً تصمیم گرفتند یک آپارتمان بلندمرتبه را برای تنها ۲۰ درصد احتمال کشته شدن یک مبارز حماس به کلی نابود کنند، به جای اینکه خطری را برای چند سرباز اسرائیلی در عملیات جستجو در ساختمان بپذیرند.

این رفتار دقیقاً برعکس اصل اخلاقی نهفته در حقوق بین‌الملل جنگ^{۲۶} است. الزام به تمایز قائل شدن میان پرسنل نظامی و غیرنظامیان، همراه با اصول تناسب و احتیاط، ایجاب می‌کند که ملل دموکراتیک باید در صورت لزوم، حاضر باشند حداقل دو نفر از سربازان خود را در معرض خطر قرار دهند تا جان یک غیرنظامی را در جبهه دشمن نجات دهند. پذیرش این موضوع برای نیروهای مسلح دشوار است، به‌ویژه در جامعه‌ای مانند اسرائیل که دارای نظام خدمت سربازی اجباری است. اما تاکتیک‌های اسرائیل در غزه منجر به کشته شدن بیش از ۵۵۰۰۰ غیرنظامی فلسطینی شده است، در حالی که تنها ۹۲۷ نفر از نیروهای خود را از دست داده است.

شاید این واقعیت که حماس به‌طور مؤثر از غیرنظامیان غزه به عنوان سپر انسانی برای تاکتیک‌های چریکی خود استفاده می‌کند،^{۲۷} کشته شدن تعداد بیشتری غیرنظامی را توجیه کند. اما حتی در این صورت نیز، اگر اسرائیل می‌توانست تلفات غیرنظامیان را به سطحی زیر بیست هزار نفر کاهش دهد، حتی به قیمت از دست دادن هزار تا دو هزار سرباز

^{۲۲} Catechism of the Catholic Church, No. 2309

^{۲۳} Principle of precaution

^{۲۴} Due care

^{۲۵} Tobias Winright

^{۲۶} International law of war

^{۲۷} در هیچ منبع معتبری اعلام نشده که نیروهای فلسطینی مقاومت کننده در مقابل تجاوز و اشغالگری، انسانی را سپر خود قرار داده اند بلکه این اتهامی است که اسرائیل به فلسطینی‌ها وارد می‌کند تا حملات به محیط‌های غیر نظامی و مردم عادی را توجیه نماید. (توضیح افزوده بر متن)

بیشتر در عملیات‌های زمینی، باید این هزینه اضافی را می‌پذیرفت. همین استدلال درباره تلفات غیرنظامیان ناشی از بمباران شهرها و زیرساخت‌های ایران توسط ایالات متحده و اسرائیل نیز صدق می‌کند.

باید متحدان اروپایی را نیز در اینجا شامل کرد. آن‌ها در شراکت با ایالات متحده، در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ علیه داعش به همان شیوه (فقط از هوا) جنگیده‌اند و با حمله به رقه در سوریه و موصل در عراق، به جای ارسال نیروهای زمینی خود، به سبک «جنگ برق‌آسا» عمل کردند. بدترین مورد این است که آن‌ها حتی یک سرباز اروپایی را متعهد نکردند تا از تهاجم ولادیمیر پوتین به اوکراین جلوگیری کند. شجاعت استقرار چندین لشکر اروپایی در شرق اوکراین در ژانویه ۲۰۲۲ می‌توانست از جنگ وحشتناک بعدی با هزینه‌های غیرقابل محاسبه در زندگی انسان‌ها و چشم‌اندازهای در معرض خطر قرار گرفتن دموکراسی‌ها در برابر استبدادهای نوظهور جلوگیری کند. اما رهبران اروپا از به خطر انداختن حتی چند هزار سرباز خود برای توقف خطرناک‌ترین دیکتاتوری روی زمین امتناع ورزیدند.

این شیوه جنگ—از طریق بمباران از ارتفاع بالا و مسلح کردن نیروهای نیابتی برای انجام تمام نبردهای زمینی—یک جنایت اخلاقی^{۲۸} است. ما باید به شهروندان خود بیاموزیم که آن اصول به سختی بدست آمده را که ما را به [تدوین و تصویب] کنوانسیون‌های ژنو رهنمون ساخت، درک کنند، پیش از آنکه از نقطه بی‌بازگشت عبور کنیم و وارد «جنگ‌های ابدی» با استفاده از حداکثر ابزارهای راحت و بدون دردسر شویم.

^{۲۸} Moral outrage

جنگ در ایران یک عمل مسیحی نیست

نوشته الکساندر مشر^{۲۹}؛ پژوهشگر الهیات مسیحی و دانش پژوه کارشناسی ارشد هوانوردی و فضاوردی

(نشر در پانزدهم آوریل ۲۰۲۶ برابر با بیست و ششم فروردین ۱۴۰۵)

[خدایا] «به آنان خردی عطا کن تا در هر تصمیمی سراسیمه نباشند، استقامتی برای آزمایش پیش‌رو، اتحادی ناگسستی و خشونت بی‌امان اقدام علیه کسانی که لایق رحمت نیستند.»

این جمله بخشی از نیایشی است که پتر هگست، وزیر دفاع [آمریکا]، در جریان یک مراسم عبادت مسیحی در پنتاگون در ۲۶ مارس قرائت کرد.^{۳۰} با نزدیک شدن به هفت هفته جنگ در ایران که هنوز افق روشنی برای پایان آن دیده نمی‌شود، هگست به طور مستمر این تجاوز را در چارچوب مفاهیم دینی توجیه کرده است. او در مصاحبه‌ای اخیر با برنامه «۶۰ دقیقه» اعلام کرد:^{۳۱} «تدبیر الهی خداوند توانمند ما در آنجا از نیروهایمان محافظت می‌کند.»

استنادات هگست به عدالت الهی که بر دشمنان ایالات متحده فرود می‌آید، با انتقادات شدیدی از سوی رهبران مسیحی، به ویژه پاپ لئو چهاردهم، مواجه شده است. پاپ در [مراسم مهم] موعظه یکشنبه نخل^{۳۲} خود اعلام کرد که خداوند «به نیایش کسانی که جنگ می‌کنند گوش نمی‌دهد.»^{۳۳} او این مطلب را در مراسم پنجشنبه مقدس نیز تکرار

^{۲۹} Alexander Mescher

^{۳۰} <https://www.pbs.org/newshour/politics/at-pentagon-christian-service-hegseth-prays-for-violence-against-those-who-deserve-no-mercy>

^{۳۱} <https://www.nytimes.com/2026/03/20/us/politics/hegseth-christianity-military.html>

^{۳۲} Palm Sunday homily

یکشنبه نخل یا عید شعانین یا عید سعائین عیدی مسیحی در یکشنبه قبل از عید پاک و شروع هفته مقدس است. این عید، نماد ورود حضرت عیسی به بیت المقدس، در تمام اناجیل اربعه ذکر شده است (مرقس ۱۱: ۱-۱۱، متی ۲۱: ۱-۱۱، لوقا ۱۹: ۲۸-۴۴، یوحنا ۱۲: ۱۲-۱۹). علت نام گذاری نخل بر رویداد مزبور، آن است که هنگام ورود حضرت عیسی مردم با شاخه‌های نخل به استقبال ایشان رفتند. گفته شده که حضرت عیسی در بازگشت پیروزمندانه به بیت المقدس در یکشنبه پیش از عید پاک، به جای اسب که نماد پادشاهان بود، سوار بر الاغ که نماد صلح بود وارد شهر شد. (توضیح افزوده بر متن)

^{۳۳} <https://www.vatican.va/content/leo-xiv/en/homilies/2026/documents/20260329-palme.html>

کرد^{۳۴} و تأکید نمود که مأموریت مسیحی^{۳۵} اغلب «از سوی [افراد دارای] تمایل به سلطه‌جویی، که کاملاً با راه عیسی مسیح در تضاد است، تحریف شده است.»

مسائل سیاسی متعددی وجود دارد که مسیحیان صادق می‌توانند به طور منطقی درباره آن‌ها اختلاف نظر داشته باشند. مسائلی مانند مالیات، مهاجرت و سلامت، پاسخ‌های واضح یا قطعی که در آموزه‌های مسیحی ریشه داشته باشد، ندارند. اما این جنگ [به راه انداخته علیه ایران] متفاوت است. برای یک دولت سکولار جنگیدن در جنگی ناعادلانه یا غیراخلاقی یک چیز است، ولی استفاده از مسیحیت برای توجیه اختلافی که مستقیماً با اصول اخلاقی بنیادین آن در تضاد است، چیز دیگری است. به کار بردن [وسو استفاده از] ایمان به این شیوه نه تنها گمراه‌کننده بلکه همراه با دستکاری است. از منظر اخلاق مسیحی، این جنگ قابل توجیه نیست.

برای درک دلیل آن، بررسی چارچوبی که مسیحیان برای ارزیابی اخلاقی جنگ‌ها استفاده می‌کنند، مفید است. نظریه جنگ عادلانه^{۳۶} شاخه‌ای از فلسفه است که توجیهات اخلاقی برای اینکه چرا و چگونه جنگ‌ها انجام می‌شود، را مشخص می‌کند. این نظریه شامل ایده‌هایی است که طی هزاران سال توسط اندیشمندان دینی و سکولار توسعه یافته است. در تدوین مدرن کاتولیک،^{۳۷} شرایط چهارگانه سختی برای دفاع نظامی وجود دارد:

۱. آسیبی که مهاجم به ملت یا جامعه ملل وارد کرده باید پایدار، سنگین و قطعی باشد.
۲. باید ثابت شود که تمام روش‌های دیگر برای پایان دادن به آن عملی یا مؤثر نیستند.
۳. باید چشم‌انداز جدی موفقیت وجود داشته باشد.
۴. استفاده از زور نباید بدتر و ناآرام‌کننده‌تر از شری باشد که باید حذف شود.

^{۳۴} https://press.vatican.va/content/salastampa/en/bollettino/pubblico/2026/04/02/260402a.html?utm_source=substack&utm_medium=email

^{۳۵} The Christian mission

^{۳۶} Just war theory

^{۳۷} https://www.vatican.va/Content/Catechism/En/Part_Three/Section_Two/Chaptertwo/Article_5/Iii_Safeguarding_Peace.Html

شایان ذکر است که این شرایط، پیش فرض را بر [جواز] جنگ دفاعی قرار می دهند. اگر در نظر بگیریم که اقدام ایالات متحده علیه ایران در واقع دفاعی نیست، آنگاه داستان همان جا تمام می شود: این اقدام ناعادلانه است.

در پی این حمله، رهبران هم ایالات متحده و هم اسرائیل تأیید کردند^{۳۸} که حمله اولیه به ایران، پیش‌دستانه^{۳۹} بوده است، به این معنی که از نظر دقیق، شروط مذکور محقق نشده است.

با این حال، درک‌های کمتر سخت‌گیرانه از دکترین جنگ عادلانه، حملات پیش‌دستانه را زمانی مجاز می‌دانند که دانش معتبری از حمله‌ای قطعی و فوری توسط مهاجم وجود داشته باشد. چند ساعت پس از آغاز تهاجم، رئیس‌جمهور ترامپ اعلام کرد که هدف او از بین بردن «تهدیدات فوری رژیم ایرانی» است. مارکو روبیو، وزیر خارجه، توضیح کمی متفاوتی ارائه داد^{۴۰} و به این نکته اشاره کرد که ایالات متحده از برنامه‌های عملیات نظامی اسرائیل علیه ایران اطلاع داشت که منجر به «حمله به نیروهای آمریکایی» می‌شد و عدم انجام حمله پیشگیرانه منجر به «کشته‌شدن تعداد بیشتری» خواهد شد. اگر واقعاً اطلاعات معتبری از قصد حمله ایران یا حمله انتقامی پس از تهاجم اسرائیلی وجود داشت، می‌توان استدلال کرد که حمله پیشگیرانه ایالات متحده برای کاهش اثرات حمله، یک اقدام دفاعی قابل توجیه است.

شرط اول از استدلال فوق ناشی می‌شود. اگر ایالات متحده انتظار «آسیب پایدار، سنگین و قطعی» توسط ایران را داشت، یک اقدام تهاجمی پیشگیرانه می‌توانست توجیه‌پذیر باشد. ابهامات پیرامون توجیهات دولت شک‌های مهمی ایجاد می‌کند درباره اینکه آیا این آستانه واقعاً محقق شده است یا خیر. بدون شواهد روشن و قابل تأیید عمومی از یک حمله قریب‌الوقوع، مشروعیت اخلاقی برچسب «دفاعی» زدن به این جنگ مبهم و سست می‌شود.

شرط دوم نیازمند آن است که تمام روش‌های دیگر حل اختلاف به عنوان «غیرعملی یا ناکارآمد» شناخته شده باشند. ایالات متحده در ۲۵ سال گذشته در مذاکرات^{۴۱} متناوبی با ایران درباره برنامه هسته‌ای آن داشته است. از ۲۸ فوریه،

^{۳۸} <https://www.cbsnews.com/news/why-us-attack-iran-trump-administration/>

^{۳۹} preemptive

^{۴۰} <https://www.cbsnews.com/live-updates/iran-us-war-day-3-american-deaths-israel-gulf-allies-hit-missile-strikes/>

^{۴۱} <https://www.pbs.org/newshour/world/a-timeline-of-tensions-over-irans-nuclear-program-as-talks-with-u-s-approach>

دیپلمات‌های آمریکایی و ایرانی دور[جدید] گفت وگوهای^{۴۲} ناموفقی را برگزار کرده‌اند تا جنگ را پایان دهند.^{۴۳} با این حال، تاریخچه دیپلماسی ناموفق لزوماً به آن معنا نیست که همه گزینه‌های غیرخسوت‌آمیز به پایان رسیده‌اند. شکست دیپلماسی با غیرممکن بودن دیپلماسی یکی نیست.

در زمینه شرط سوم، موفقیت به معنای دفاع از خود در برابر مهاجم با قصد رسیدن به صلحی پایدار در حالی که تلفات به حداقل برسد، است. ایالات متحده قطعاً قدرت نظامی لازم برای دفاع موفقیت‌آمیز از دارایی‌های خود در منطقه را دارد. با این حال، با توجه به سابقه جنگ‌های ایالات متحده در خاورمیانه،^{۴۴} شک منطقی وجود دارد که آیا ایالات متحده قادر به ایجاد هرگونه صلح پایدار بدون تحمیل تلفات سنگین خواهد بود یا خیر.

شرط نهایی در این مورد به ویژه مهم است. به بیان ساده، این اصل به ما می‌گوید که چگونه باید جنگی را انجام داد تا عادلانه باشد. پاسخ به یک حمله نباید آسیب بیشتری نسبت به خود حمله ایجاد کند. حملات ایالات متحده و اسرائیل به ایران این کشور را ویران کرده است. تخمین زده می‌شود^{۴۵} که حملات ایالات متحده و اسرائیل به ایران تاکنون ۱۹۰۰ نفر را کشته است. در حالی که تنها ۱۳ مورد تلفات آمریکایی گزارش شده است. در ۲۴ ساعت نخست عملیات «خشم حماسی»، نیروهای آمریکایی بیش از ۱۰۰۰ هدف را هدف قرار دادند.^{۴۶} اکنون به روندی پایدار از ۳۰۰ تا ۵۰۰ حمله در روز رسیده‌اند. یک حمله تصادفی^{۴۷} آمریکا به یک دبیرستان دخترانه منجر به کشته شدن ۱۶۸

^{۴۲} <https://www.axios.com/2026/04/06/iran-war-us-tehran-ceasefire-talks>

^{۴۳} . نویسنده اشاره نکرده که هم در جنگ ۱۲ روزه و هم در تجاوز اسفند ۱۴۰۴ وقتی روند مذاکرات بین ایران و آمریکا در جریان بود و توسط طرف آمریکایی ادعا می‌شد که توافق در دسترس است، به ایران تجاوز صورت گرفت. همین امر باعث شد که رسانه‌های خود آمریکا اذعان کنند که آنها از مذاکره قصد فریب دادن ایران را داشته‌اند تا بتوانند از عنصر غافلگیری برای ضربه زدن بهره بگیرند. البته تجربه شناخت ایرانی‌ها از طرف‌های مقابل نیز باعث شد که آمادگی‌های لازم در ایران برای دفاع از خود قبل از تجاوز رمضان وجود داشته باشد و به فاصله زمانی کمی پس از اولین حمله، اقدامات دفاعی علیه متجاوزان به ایران اجرایی شود. (توضیح افزوده بر متن)

^{۴۴} <https://education.cfr.org/learn/reading/middle-east-timeline>

^{۴۵} <https://www.nbcnews.com/world/iran/live-blog/live-updates-iran-war-trump-deadline-hormuz-oil-ceasefire-israel-rcna266833>

^{۴۶} <https://www.csis.org/analysis/assessing-air-campaign-after-three-weeks-iran-war-numbers>

^{۴۷} Accidental U.S. strike

نویسنده فرض را بر تصادفی بودن و غیر عمدی بودن حمله به مدرسه شجره طیبه میناب گذاشته در حالی که تحقیقات مختلف بروشنی اثبات کرده که این حمله جنایت بار کاملاً عامدانه و برنامه ریزی شده بوده است و پس از آن نیز همین الگو را آمریکا و اسرائیل علیه سایر مراکز آموزشی و غیر نظامی در سراسر کشور پیاده کردند. (توضیح افزوده بر متن)

نفر از جمله بیش از ۱۰۰ کودک شد.^{۴۸} پاسخ اجرا شده کنونی ایالات متحده [با ادعای] «پیشگیرانه» بودن بسیار فراتر از آسیبی است که هرگونه حمله ایرانی به نیروهای آمریکایی می‌توانست ایجاد کند.

وقتی این جنگ از طریق یک چارچوب مسیحی بررسی شود، به وضوح غیراخلاقی است. با این حال، رهبران ما همچنان مسیحیت را تحریف می‌کنند تا از اقداماتی دفاع کنند که با اساسی‌ترین اصول آن در تضاد است. این تعرضی جدی به مسیحیان در ایالات متحده است و نباید تحمل شود. ما نمی‌توانیم اجازه دهیم سیاستمداران، دین را برای پیشبرد اهداف خود تحریف کنند. اگر در رد این امر شکست بخوریم، خطر آن وجود دارد که قدرت را با راستی و درستی^{۴۹} اشتباه بگیریم و آن را ایمان بنامیم.



^{۴۸} <https://www.nytimes.com/2026/03/11/us/politics/iran-school-missile-strike.html>

^{۴۹} Righteousness

مسیحیان انجیلی، جنگ ایران و الهیات آخرالزمان^{۵۰}

نوشته دنیس پی. آلن، کشیش کلیسای گاردن سیتی در پیتسبرگ، پنسیلوانیا
(نشر در یکم می ۲۰۲۶ برابر با یازدهم اردیبهشت ۱۴۰۵ شمسی)

در ساعات اولیه صبح روز شنبه ۲۸ فوریه، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، ویدیویی را در پلتفرم رسانه اجتماعی خود، تروث سوشال، منتشر کرد و اعلام نمود که ایالات متحده، در همکاری با اسرائیل، حملاتی را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده است. در حمله اولیه، رهبر عالی ایران، آیت‌الله خامنه‌ای، خانواده نزدیک او، ده‌ها فرمانده نظامی، بیش از ۱۸۰ دانش‌آموز دختر و صدها نفر از مردم عادی در سراسر کشور ایران کشته شدند.

چند ساعت بعد، جان هاگی،^{۵۱} بنیان‌گذار و رئیس [تشکیلات] «مسیحیان متحد برای اسرائیل»^{۵۲} و کشیش یک مگا کلیسای انجیلی در سن آنتونیو، تگزاس، در حالی که در مقابل یک طرح‌گرافیکی بزرگ با عبارت «آمدن خدا: عملیات خشم حماسی»^{۵۳} ایستاده بود، برای حضار خود خطبه‌ای ایراد کرد و حمله به ایران را تحقق‌بخش پیشگویی‌های کتاب مقدس اعلام نمود.

غروب همان روز، شان فوشت،^{۵۴} یکی دیگر از رهبران مشهور انجیلی، ویدیویی در یوتیوب منتشر کرد که از حمله به ایران برای گشودن «دروازه‌های آخرالزمان» که می‌تواند منجر به ایمان آوردن میلیون‌ها شهروند ایرانی به عیسی [ع]

^{۵۰}. این نوشتار توسط نویسنده در صفحه لینکدن وی با این عنوان در یکم می ۲۰۲۶ نشر یافته ولی بعداً در نشریه انگلیسی افق‌های اسلامی (Islamic Horizons) در آمریکا با عنوان «چرا مسیحیان انجیلی از جنگ با ایران استقبال می‌کنند، یک الهیات گریز» منتشر شده است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۵۱}. John Hagee

وی یکی از سرشناس‌ترین چهره‌های حامی نسل‌کشی در غزه و حمایت از توسعه شهرک‌سازی‌ها در سرزمین‌های اشغالی فلسطینی است و نقش

وی در لابی صهیونیستی درون آمریکا برای پیشبرد اهداف اسرائیل نیز برجسته است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۵۲}. Christians United for Israel

^{۵۳}. God's Coming: Operation Epic Fury

^{۵۴}. Sean Feucht

شود، استقبال نمود، در حالی که گزارش‌های مربوط به کشته شدن دختر بچه‌های دانش‌آموزان را به عنوان پروپاگاندا/تبلیغات ایران رد کرد.^{۵۵}

ما چگونه به اینجا رسیدیم؟ چگونه بخش قابل توجهی از مسیحیان آمریکایی به جایی رسیدند که بمباران یک ملت دیگر را به عنوان یک رویداد عبادی جشن می‌گیرند؟

[علتش این است:] اگرچه هاگی و فوشت در حاشیه راست افراطی مسیحیت انجیلی / پروتستان رادیکال قرار دارند، ولی الهیاتی که تفکر آنها را شکل می‌دهد، موضعی حاشیه‌ای نیست که توسط تعداد انگشت‌شماری از افراط‌گرایان در دست گرفته شده باشد. در عوض، این چارچوبی است که در قرن گذشته، به طور برجسته‌ای تخیل مسیحیان انجیلی در ایالات متحده را در مورد آخرالزمان و ظهور مجدد عیسی شکل داده است. امروزه، این فلسفه در بالاترین سطوح کشور عمل می‌کند.

تعریف [فرقه] تقدیر گرایان^{۵۶}

ظهور این فلسفه^{۵۷} در دهه ۱۸۳۰ با جان نلسون داربی،^{۵۸} یک واعظ بریتانیایی آغاز شد که به دنبال حل مسئله‌ای کهنه در مورد مسیحیان بنیادگرا و تفسیر تحت‌اللفظی کهن‌ها از کتاب مقدس داشتند، برآمد. داربی برای آشتی دادن آنچه که به نظر می‌رسد تناقضاتی بین عهد عتیق و جدید است، هفت «دوره»^{۵۹} یا عصر متمایز از جهت فیض / لطف خدا در تاریخ را مطرح کرد. مسیحیان انجیلی که به این چارچوب الهیاتی تقدیرگرا پایبند هستند، معتقدند که ما [هم اینک] در ششمین دوره هستیم و با اشتیاق فراوان منتظر گذار به هفتمین و آخرین عصر بسر می‌بریم که به عنوان زمانه پایان/ آخر الزمان شناخته می‌شود

در چارچوب [نظرات] داربی، در گذار از ششمین دوره به هفتمین [مقطع]، مسیحیان به صورت فیزیکی از زمین جدا شده و در رویدادی به نام عروج روحانی،^{۶۰} پیش از یک دوره هفت‌ساله از بلاهای جهانی وحشتناک، به آسمان برده

^{۵۵}. جنایت آشکار حمله به مدرسه میناب را تبلیغات نامیده و رد کرده است. همین موضعگیری به خوبی نشان می‌دهد که چه موجودات خطرناکی از پوشش دین برای پیشبرد اهداف سیاسی خاص بهره می‌گیرند. (توضیح افزوده بر متن)

^{۵۶}. Dispensationalist

^{۵۷}. معلوم نیست نویسنده یک چنین افکاری را چگونه به عنوان «فلسفه» توصیف کرده در حالی که این نوع نگرش‌ها عمدتاً نوعی افکار و اوهام فرقه گونه و بی ربط به عقلانیت و معنویت را بازتاب می‌دهد. (توضیح افزوده بر متن)

^{۵۸}. John Nelson Darby

^{۵۹}. Dispensations

^{۶۰}. Rapture

می‌شوند. در طول این دوره هفت‌ساله، ملت‌هایی از سراسر جهان به سمت اسرائیل جمع خواهند شد تا جنگی نهایی رخ دهد. سپس، بعد از [تحمل] رنج و مرگ غیرقابل تصور، عیسی [ع] بازمی‌گردد، ملت‌های جنگ طلب علیه اسرائیل را شکست می‌دهد و حکومت هزارساله خود را بر روی زمین برقرار می‌کند.

در سال ۱۹۰۹، انتشارات دانشگاه آکسفورد کتاب مقدس مرجع اسکوفیلد^{۶۱} را منتشر کرد که چارچوب تقدیر گرایی داربی را همراه با متن کتاب مقدس به عنوان یادداشت‌های مطالعه شامل می‌شد. بیش از ۲ میلیون نفر در دهه‌های اولیه پس از انتشار، این کتاب را خریداری کردند و در مجموع بیش از ۱۰ میلیون نسخه فروخته شد. به مرور زمان، یادداشت‌های اسکوفیلد به لنز تفسیری غالب برای خواندن و درک کتاب مقدس برای میلیون‌ها آمریکایی تبدیل شد.

در سال ۱۹۹۵، تیم لاهی و جری جنکینز^{۶۲} اولین رمان از مجموعه «رها شده پشت سر»^{۶۳} خود را منتشر کردند که واقعه عروج و پیامدهای آن را به تصویر می‌کشد. این مجموعه‌هک در کل ۱۲ رمان دارد، تاکنون بیش از ۸۰ میلیون نسخه فروش داشته است.^{۶۴} برای بسیاری از انجیلی‌ها، مجموعه یاد شده آموزش اصلی آن‌ها درباره «آخر الزمان» بوده است. تا اواخر قرن بیستم، سیستم الهیاتی که داربی بیش از یک قرن پیش نوآوری کرده بود، به چارچوب پیش فرضی تبدیل شده بود که بخش زیادی از مسیحیت انجیلی آمریکا پذیرفته بود. مدل داربی یک خط زمانی قابل فهم، دشمنان به راحتی قابل شناسایی و در نهایت، برای انجیلی‌ها، گریزی از رنج ارائه می‌داد.

با این حال، مهم است که درک شود تقدیر گرایان نماینده مسیحیت تاریخی و ارتدوکس نیست. این دیدگاه هیچ ریشه‌ای در کلیسای مسیحی قرن اول ندارد، و در هیچ‌یک از اعتقادات کلامی بنیادینی که توسط کلیسا در قرن‌های چهارم و پنجم توسعه یافت، بنیانی ندارد. برای پدران اولیه کلیسا مانند جان کریسوستوم^{۶۵} یا آگوستین^{۶۶}، یا برای اصلاح طلبانی مانند مارتین لوتر یا جان کالوین^{۶۷}، یا حتی برای اکثر مسیحیان در طول ۲۰۰۰ سال گذشته، این دیدگاه ناآشنا و غیر قابل شناسایی بوده است.

^{۶۱} The Scofield Reference Bible (SRB)

^{۶۲} Tim LaHaye and Jerry Jenkins

^{۶۳} Left Behind

^{۶۴} . مورد یاد شده مثال قابل توجهی است که چگونه در دنیای جدید فرقه‌ها برای آنکه گسترش پیدا کنند از انواع ابزارهای هنری و ادبی بهره می‌گیرند. در این مورد، استفاده از رمان در ترویج نگرش مورد بحث نقش مهمی ایفا کرده است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۶۵} Chrysostom

^{۶۶} Augustine

^{۶۷} Martin Luther or John Calvin

نه سنت ایمان کاتولیک و نه پروتستان هرگز نیاموخته‌اند که مسیحیان می‌توانند از رنج و عذاب فرار کنند در حالی که بقیه جهان سختی و درد را تحمل می‌کنند. اختراع داربی، و آنچه چهره‌های مدرنی مانند هاگی و فوشت آموزش می‌دهند، یک نوبرانه الهیاتی است که توسط محققان مسیحی یا متکلمان که به طور جدی با کتاب مقدس سروکار دارند، پشتیبانی نمی‌شود

میوه‌های بد الهیات آخر زمانی تقدیر گرایان

دلیل اینکه این چارچوب الهیاتی نوع خاصی از حمایت را در میان مسیحیان انجیلی برای جنگ با ایران ایجاد می‌کند، تفسیری^{۶۸} است. در عهد عتیق، حزقیال نبی ائتلافی از ملت‌ها را به رهبری «جوج از سرزمین ماجوج» علیه اسرائیل توصیف می‌کند (حزقیال ۲: ۳۸، نسخه ترجمه بین‌المللی تقدیر گرایان). این بخش را به عنوان پیش‌گویی تحت‌اللفظی از یک حمله آینده به اسرائیل امروزی می‌خوانند. در میان ملت‌هایی که در ائتلاف جوج گنجانده شده‌اند، پارس وجود دارد که تقدیر گرایان آن را با ایران امروزی شناسایی می‌کنند. وقتی متن [مقدس] به این شکل خوانده شود، درگیری نظامی واقعی بین اسرائیل و ایران نه یک بحران ژئوپلیتیک، بلکه یک نشانه [پیشگویی] پیامبرانه است. این همان چیزی است که هاگی و فوشت به پیروانشان اعلام می‌کنند که عملیات نظامی ایالات متحده علیه ایران در واقع نشان‌دهنده اجرای برنامه خداست.

در این چارچوب تقدیر گرا، هر مسلمان که بمیرد، باعث غم و اندوه نیست، بلکه تأیید این است که زمان‌بندی خدا طبق برنامه پیش می‌رود و بازگشت عیسی [ع] نزدیک است. خشونت، بنابراین، غم انگیز و تراژیک نیست، بلکه کارکردی است. [کشتن] زنان، کودکان و حتی [از بین بردن] شهرهای کامل، ابزارهایی هستند که آخر الزمان را نزدیک‌تر می‌کنند، زمانی که مسیحیان انجیلی به آسمان عروج می‌یابند و دیگران همه محکوم به جهنم می‌شوند.^{۶۹}

^{۶۸} Exegetical

^{۶۹} . ظاهراً بین همه فرقه‌ها و گروه‌های تکفیری که خود را به ادیان مختلف الهی منتسب می‌کنند اشتراکات زیادی وجود دارد. اینکه فقط آنها اهل بهشت هستند و دیگران به جهنم می‌روند، اینکه در کشتن غیر خودی‌ها باید قاطع بود و اصلاً رحم و شفقت بکار نرفت، اینکه باید برای رسیدن به هدف از هر ابزاری خشن و غیر اخلاقی بهره گرفت و گزاره‌های دیگر مشابه در همه آنها مطرح است. منتهی این نکته در خور تأمل است که چرا دستگاه رسانه‌ای عظیم در اختیار دولت‌های غربی همواره خود را متمدن و منطبق با موازین انسانی و اخلاقی معرفی می‌کنند و عمدتاً این ویژگی‌های منفی تکفیری را به جهان اسلام نسبت می‌دهند واز تکفیری‌های خطرناک جامعه خود که حتی امروزه در سطح رییس‌جمهور آمریکا و یارانش در کاخ سفید و لابی گسترده صهیونیست‌ها در سراسر دنیا یارگیری کرده‌اند، سخنی به میان نمی‌آورند. چرا نمی‌گویند که همان تکفیری‌های درون جهان اسلام از قبیل القاعده و داعش و بوکوحرام و دیگران نیز عمدتاً دست ساخته خود این جنایت‌پیشه‌ها برای اهداف سیاسی و امنیتی است. (توضیح افزوده بر متن)

آنچه تقدیر گرایان نادیده می گیرند، معنای چارچوب الهیاتی خود برای بقیه جهان است. تنها مسیحیان می توانند از طریق عروج روحانی از رنج فرار کنند. دیگران همه در زمین باقی می مانند تا بلا، درد و در نهایت حسابرسی و قضاوت ابدی^{۷۰} را تجربه کنند. وقتی مسیحیان انجیلی که به این الهیات خاص «زمانه پایان / آخر الزمان» پایبند هستند، درباره جنگ‌هایی که باور دارند منجر به بازگشت عیسی [ع] می شوند، هیجان زده می شوند، آن‌ها رنج همه غیرمسیحیان در جهان را به عنوان خسارات جانبی نجات خود تلقی می کنند.

بازپس گیری راه عیسی

مسیحیت و اسلام هر دو تأیید می کنند که عیسی [ع] باز خواهد گشت. در قرآن، از عیسی [علیه السلام] به عنوان نشانه‌ای از قیامت یاد شده است. کتاب مقدس تأیید می کند که عیسی باز خواهد گشت و وقتی این اتفاق بیفتد، همه چیز را از نو خواهد ساخت.

اما هیچ یک از نویسندگان کتاب مقدس، بازگشت عیسی [ع] را به عنوان ابزاری برای گریز از این جهان ارائه نمی دهند. در عوض، بازگشت عیسی همواره به عنوان تجدید حیات این جهان تصویرسازی شده است. رسول پولس، در نامه‌ای که به کلیسای باستانی در روم نوشت، کل آفریده‌ها را در انتظار رستگاری، «ناله کنان» توصیف کرد (رومان ۸:۲۲). بر اساس تعالیم پولس، عیسی هرگز کسانی را که بیشتر دوست دارد، نجات نداده و بقیه را رها نکرده است. سپس، در مکاشفه، آخرین کتاب / بخش در کتاب مقدس، بهشت به عنوان شهری که به زمین نازل می شود، شهری که از آسمان‌ها نازل می شود و جایی که خدا با بشریت ساکن است و هر اشکی را پاک می کند، به تصویر کشیده شده است (مکاشفه ۴-۲۱:۱). پایان روایت کتاب مقدس نه فرار، بلکه بازیابی است.

در تاریخ ۲۱ ژوئیه ۱۹۴۴، دیتریچ بونهوفر^{۷۱} کشیش و الهی دان آلمانی، نامه‌ای به دوستش ابرهارد بته^{۷۲} از داخل زندان نازی‌ها نوشت. در آن نامه او نوشت: «در سال گذشته یا اخیر، من بیشتر و بیشتر عمق این جهانی بودن مسیحیت را شناخته و درک کرده‌ام... منظور من زندگی بدون احتیاط در وظایف زندگی، مشکلات، موفقیت‌ها و شکست‌ها، تجربیات و سردرگمی‌هاست.» برای بونهوفر، پیروی وفادارانه به عمل مسیحیتی یعنی ورود به رنج به عنوان راهی برای مشارکت در زندگی خود عیسی [ع]. برای بونهوفر، فرار از رنج در حالی که دیگران درد را تحمل می کنند، مسیحیت نیست.

^{۷۰} Eternal judgment

^{۷۱} Dietrich Bonhoeffer

^{۷۲} Eberhard Bethge

الهیاتی که وقتی ملت دیگری بمباران می‌شود، شادی می‌کند و آن اقدام نظامی را به عنوان گامی به سوی فرار [از درد] و تعالی خود تعبیر می‌کند، از عیسی [ع] دور شده است. خود عیسی [ع] بر بیت المقدس / اورشلیم گریست. او ویرانی آن را به عنوان گامی ضروری برای مصلوب شدن و رستخیز خود به کار نگرفت (لوقا ۱۹:۴۱). عیسی درد و رنج دیگران، از جمله دشمنانش را به جان خرید. بازگشت عیسی [ع]، نشانگر بازگشت پیامبری خواهد بود که رویکردش نسبت به جهان همواره از خود گذشتگی و تهی شدن از خود^{۷۳} بوده است، نه ترک و رها کردن پیروزمندانه. مسیحیان به عنوان پیروان عیسی مسیح [ع]، باید در موفقیت‌ها و شکست‌ها، شادی‌ها و رنج‌های همسایگان خود سهیم باشند. افرادی که در بمباران ایران توسط ایالات متحده کشته می‌شوند، انسان‌هایی هستند که به تصویر خدا^{۷۴} آفریده شده‌اند. زندگی آنها و زندگی خانواده‌هایشان مقدس است. هیچ انسانی نباید به ابزاری برای تعالی شخص دیگری تقلیل یابد. هر الهیات مسیحی که نتواند این را ببیند، طرح کلی متن مقدس خود را گم کرده است.



^{۷۳} Self-sacrifice and self-emptying

^{۷۴} The image of God

جنگ مقدس انجیلی: چرا برخی از مسیحیان فکر می کنند ترامپ جهان را به پایان [موعود] خواهد رساند

نوشته متیو بور کهلدر،^{۷۵} دانش پژوه دکترا، مطالعات الهیات، دانشگاه تورنتو
(نشر در هجدهم مارس ۲۰۲۶ برابر با بیست و هفتم اسفند ۱۴۰۴ شمسی)

سربازان نیروهای مسلح ایالات متحده بیش از ۱۰۰ شکایت^{۷۶} به بنیاد آزادی مذهبی نظامی^{۷۷} ارائه داده‌اند و اظهار داشته‌اند که فرماندهان آنها از لفاظی‌های مذهبی افراطی^{۷۸} برای توصیف جنگ ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران استفاده می‌کنند.

طبق برخی از شکایات، فرماندهان نظامی آمریکا^{۷۹} به سربازان خود گفته‌اند که حمله به ایران یک "جنگ مقدس" است و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، «توسط عیسی مسیح، مسح شده است تا آتش نشانه دهی^{۸۰} را در ایران روشن سازد و [بدین وسیله] آرماگدون^{۸۱} را ایجاد کند و بازگشت خود [مسیح] را به زمین نشان دهد.»

^{۷۵}: Matthew Burkholder

^{۷۶}: <https://jonathanlarsen.substack.com/p/us-troops-were-told-iran-war-is-for>

^{۷۷}: The Military Religious Freedom Foundation (MRFF)

این نهاد که در سال ۲۰۰۵ توسط واینستین عضو سابق نیروی هوایی آمریکا و وکیل حقوقی ایجاد شده مأموریت خود را این گونه اعلام کرده که تلاش دارد اطمینان حاصل کند اعضای نیروهای مسلح ایالات متحده می‌توانند بدون ترس از تبعیض یا اجبار، به باورهای مذهبی خود عمل کنند و جدایی کلیسا و دولت را در درون ارتش ترویج دهند. (توضیح افزوده بر متن)

^{۷۸}: <https://www.theguardian.com/world/2026/mar/03/us-israel-iran-war-christian-rhetoric>

^{۷۹}: https://www.huffpost.com/entry/troops-being-told-to-prepare-for-armageddon-in-iran_n_69a6ffe3e4b076ac5d63c82c

^{۸۰}: Signal fire

در ادبیات انگلیسی منظور آتشی است که در صدد انتقال پیامی است برای نجات. مثلاً آتش و دودی را بر می‌افروزند تا دیگران بدانند که افراد مربوط به آن آتش کجا هستند تا آنها را نجات دهند. (توضیح افزوده بر متن)

^{۸۱}: Armageddon

آرماگدون یا (هارمجدون)، واژه‌ای است یونانی به معنای نبرد نهایی حق و باطل در آخرالزمان. (توضیح افزوده بر متن)

مایکی واینستین،^{۸۲} رئیس بنیاد آزادی مذهبی نظامی، در مصاحبه اخیر خود^{۸۳} با «دموکراسی اکنون»،^{۸۴} گفت که این بنیاد «غرق»^{۸۵} تماس‌های سربازانی شد که نشان می‌داد فرماندهان نیروهای مسلح «سرخوش»^{۸۶} هستند، زیرا جنگ راهی برای «بازگرداندن نسخه مسلح‌شده‌ی خودشان از عیسی» خواهد بود.

این اظهارات در میان دیگر لفاظی‌های مذهبی خشونت‌آمیز مقامات آمریکایی است. مایک هاکبی،^{۸۷} سفیر ایالات متحده در اسرائیل، با اظهار این ادعا که اسرائیل بر اساس کتاب مقدس^{۸۸} مطالبه تصرف بخش عمده‌ای از خاورمیانه را دارد، باعث ایجاد یک جنجال دیپلماتیک شد.

این لحن همچنین در حالی مطرح می‌شود که برخی از مقامات آمریکایی تلاش کرده‌اند دولت ایران را متعصب^{۸۹} توصیف کنند. مارکو رویو، وزیر امور خارجه [آمریکا] گفت که ایران توسط «دیوانه‌های متعصب مذهبی»^{۹۰} اداره می‌شود. پیت هگست، وزیر دفاع [آمریکا نیز] گفت: «رژیم‌های دیوانه‌ای مانند ایران، که به هذیان‌های اسلامی پیامبرانه^{۹۱} پائیند هستند، نمی‌توانند سلاح هسته‌ای داشته باشند».

در همین حال، جان هاگی، مبلغ تلویزیونی آمریکایی، اخیراً ادعا کرده است^{۹۲} که روسیه، ترکیه، «آنچه از ایران باقی مانده است» و «گروه‌هایی از مسلمانان» به زودی به اسرائیل حمله کرده و توسط خدا نابود خواهند شد.

انجیلیسم^{۹۳} آمریکایی

در طول دوره دکترای خود در رشته الهیات مسیحی، این سوال را مطرح کرده‌ام که چرا برخی از جنبش‌های مذهبی انجیلی آمریکایی، که از طریق سیاست‌های ماگای^{۹۴} رئیس جمهور دونالد ترامپ - که به شدت توسط ملی‌گرایی

^{۸۲} Mikey Weinstein

^{۸۳} <https://www.youtube.com/watch?v=yijk3N1t7yo>

^{۸۴} Democracy Now

^{۸۵} Inundated

^{۸۶} Euphoric

^{۸۷} Mike Huckabee

^{۸۸} <https://www.bbc.com/news/articles/cn5gkkgdzkyo>

^{۸۹} <https://www.aljazeera.com/news/2026/3/4/why-are-the-us-and-israel-framing-the-ongoing-conflict-as-a-religious-war>

^{۹۰} Religious fanatic lunatics

^{۹۱} Prophetic Islamic delusions

^{۹۲} https://www.youtube.com/watch?v=xz32p2_Mg3As

^{۹۳} Evangelicalism

^{۹۴} Make America Great Again (MAGA)

اشاره دارد به شعار ترامپ قبل از انتخابات دور دوم ریاست جمهوری وی با ادعای اینکه می‌خواهد مجدد عظمت آمریکا را به آن بازگرداند. گروهی که با عنوان حامیان وی این شعار را مبنای تبلیغات قرار دادند و در محورهای موضوعی مختلف با تمرکز بر وضعیت داخلی آمریکا برنامه‌هایی را برجسته کردند، بعد آن با عنوان «ماگایی‌ها» شناخته می‌شوند و البته امروزه برخی از آنها به منتقدان ترامپ تبدیل شده‌اند. (توضیح افزوده بر متن)

مسیحی سفیدپوست^{۹۵} شکل گرفته است - به طور فزاینده‌ای دیده و قدرت یافته‌اند، تفسیرهای خشونت‌آمیزی از آنچه متکلمان به عنوان «آخرت‌شناسی» (الهیات آخرالزمان) می‌نامند، در پیش می‌گیرند.

اگرچه اصطلاح «مسیحی انجیلی»^{۹۶} به دشواری قابل تعریف است، مورخ دیوید بینگتون^{۹۷} که بر این جنبش‌ها در بریتانیا تمرکز داشت، چهار ویژگی کلی را برای آن مشخص کرد: اعتقاد قوی به کتاب مقدس، [باور به] مرگ عیسی برای [جبران] گناهان [بشر]، تجربه تغییر دین و فعالیت اجتماعی.^{۹۸}

تخصص تحقیقاتی من این است که چگونه مسیحیان پروتستان مدرن، از جمله مسیحیان انجیلی، اهمیت مرگ عیسی، که به عنوان کفاره نیز شناخته می‌شود،^{۹۹} و ارتباط آن با آخرالزمان را درک می‌کنند.

در جستجوی آرماگدون [نبرد نهایی حق و باطل در آخرالزمان]

لفاظی‌ها در مورد مذهبی بودن جنگ‌ها و اینکه ترامپ از جانب خدا مسح شده و در شرف وقوع آرماگدون است، عمیقاً نگران‌کننده است و محکومیت مسیحیان در ایالات متحده و فراتر از آن را که از سیاست خارجی غیرخشونت‌آمیز و دیپلماتیک حمایت می‌کنند، شتاب بخشیده است.^{۱۰۰}

لفاظی‌های خشونت‌آمیز مذهبی ایالات متحده که با جنگ ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران تقویت می‌شود، با این باورها مرتبط است که پس از احیای اسرائیل به عنوان یک ملت و بازسازی معبد اورشلیم / بیت المقدس، عیسی [ع] باز خواهد گشت و بشریت را داوری خواهد کرد.^{۱۰۱}

مسیحیانی که به این دیدگاه‌ها پایبند هستند، کتاب / بخش مکاشفه کتاب مقدس^{۱۰۲} را با زبان نمادین و آخرالزمانی واضح آن، به عنوان ادعاهای تحت‌اللفظی در مورد تاریخ می‌خوانند. آنها تفسیر الهام‌بخش و معتبر خود از کتاب مقدس را حفظ می‌کنند و این به آنها اجازه می‌دهد تا این گونه فهم کنند که درگیری‌ها در خاورمیانه، آغازگر عمل

^{۹۵} <https://www.norton.com/books/9781631499050>

^{۹۶} <https://www.merriam-webster.com/dictionary/evangelical>

^{۹۷} David Bebbington

^{۹۸} <https://www.ucanews.com/news/a-fractured-christian-response-to-us-israel-war-on-iran/112303>

^{۹۹} <https://plato.stanford.edu/entries/atonement/>

^{۱۰۰} <https://www.ucanews.com/news/a-fractured-christian-response-to-us-israel-war-on-iran/112303>

^{۱۰۱} <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199856497.013.025>

^{۱۰۲} The Biblical Book of Revelation

نهایی خدا در تاریخ است و ترامپ به عنوان مردی سلطه‌گر و پرخاشگر^۳ دیده می‌شود که می‌تواند به داوری خشونت‌آمیز خدا علیه دشمنانش کمک کند.

تفسیرهایی از مرگ و خشونت عیسی [ع]

بررسی اینکه چگونه برخی از باورهای مسیحی در مورد مرگ عیسی با تمایل به حمایت یا توجیه خشونت مرتبط است، موضوع در خور تاملی است.

متکلمان پروتستان انجیلی، مانند جی. آی. پکر و جان استات،^۴ استدلال می‌کنند که مرگ عیسی در درجه اول "پرداخت جریمه"^۵ گناه انسان را ادا کرد. آنها تأکید می‌کنند که تقدس خدا مستلزم پرداخت غرامت برای این گناه است. در این چارچوب، خدا مرگ خشونت‌آمیز عیسی را برای اجرای عدالت کیفری الهی جهت بخشش بشریت^۶ ترتیب داد.

از سوی دیگر، مسیحیان غیر انجیلی، مانند هوراس بوشنل،^۷ عضو کنگره قرن نوزدهم^۸ و جی. دنی ویور،^۹ متکلم معاصر منونایت،^{۱۰} مرگ عیسی را نمونه‌ای از عشق خدا می‌دانند.

در این تفسیر، عیسی خشونت را برای پرداخت بدهی به خدا تحمل نمی‌کند. در عوض، مرگ عیسی بیشتر شبیه مرگ غم‌انگیز یک شهید^{۱۱} است. این متکلمان خشونت را به عنوان شرط بخشش [گناه بشریت] رد می‌کنند.

بحثی که در سال ۲۰۱۲ در کلیسای پرسبیتریان (ایالات متحده آمریکا)^{۱۲} در مورد یک سرود مذهبی [بروزیافت]، این تنش را نشان می‌دهد. [مورد اختلاف نظر] پیشنهادی بود برای تغییر متن سرود مذهبی از تعبیر «بر آن صلیب، همانطور که عیسی مُرد، خشم خدا فرو نشست» به «عشق خدا افزون شد». در نهایت، نویسندگان [سرود] این پیشنهاد را رد کردند. اما این مناقشه نشان داد که مسیحیان اشتیاق به داشتن تفسیرهای مختلف از مرگ عیسی دارند.

^۳ The dominating and aggressive man

^۴ J. I. Packer and John Stott

^۵ paid the penalty

^۶ To forgive humanity.

^۷ Horace Bushnell

^۸ <https://www.britannica.com/biography/Horace-Bushnell>

^۹ J. Denny Weaver

^{۱۰} <https://www.mennoniteusa.org/on-protesting/>

^{۱۱} A martyr's tragic death

^{۱۲} <https://pcusa.org/>

خشونت الهی در کفاره^{۱۱۳}

محققان نشان داده‌اند که باورهای مربوط به کفاره کیفری، [نوعی] ارتباط منفی با احساس مسئولیت برای کاهش درد و رنج در جهان را بازتاب می‌دهند.^{۱۱۴} این موضوع تعجب آور نیست وقتی خشونت به عنوان رستگاری^{۱۱۵} دار چارچوب‌های الهیاتی گنجانده می‌شود.

من در رساله دکترای خود بین پذیرش خشونت الهی در کفاره و خشونت الهی در آخرالزمان ارتباط برقرار می‌کنم. البته، این موضوع بسیار پیچیده‌تر و ظریف‌تر [از بیان فعلی] است. با این وجود، مسیحیان همیشه در حال گذر از فرآیند تفسیر و مذاکره در مورد متون مقدس هستند.

به عنوان مثال، آیا عیسی مسیح جنگجوی مکاشفه ۱۹ است^{۱۱۶} که سوار بر اسب جنگی به نبرد علیه دشمنانش می‌رود یا معلم صلح در متی ۲۱ که به پیروانش دستور می‌دهد دشمنان خود را همانطور که خدا کاملاً دوست دارد، دوست داشته باشند؟^{۱۱۷}

تفسیر کتاب مقدس و باورهای سیاسی

کسانی که خشونت را ابزاری برای رستگاری می‌دانند، بیشتر مستعد آن هستند که آموزه‌های غیرخشونت‌آمیز عیسی را با تصاویری که در کتاب/بخش مکاشفه کتاب مقدس یافت می‌شود، تخریب کنند. کسانی که خشونت را با اخلاق مسیحی ناسازگار می‌دانند، این [مورد در کتاب مقدس] را به صورت تمثیلی و با فروتنی تفسیر می‌کنند و به نشانه‌های خدا نه فقط در زندگی خود و گروه «خودی» [بلکه در میان سایر موجودات الهی] توجه می‌کنند. دو رویکرد فوق همچنین بر باورهای سیاسی [افراد] نیز تأثیر می‌گذارند.

به یک فرسته اخیر در رسانه‌های اجتماعی توسط متکلم و کشیش باپتیست اصلاح‌شده،^{۱۱۸} جان پایپر،^{۱۱۹} توجه کنید. این فرسته به سادگی لایوان ۱۹:۳۴ را نقل می‌کند:

^{۱۱۳} Atonement

^{۱۱۴} <https://doi.org/10.1177/009164711704500103>

^{۱۱۵} Redemptive

^{۱۱۶} <https://www.biblegateway.com/passage/?search=revelation%2019%3A11-16&version=NRSVUE>

^{۱۱۷} <https://www.biblegateway.com/passage/?search=Matthew%205%3A43-48&version=NRSVUE>

^{۱۱۸} <https://www.christianpost.com/news/john-piper-prompts-pushback-from-jack-hibbs-others-over-x-post.html>

^{۱۱۹} John Piper

«با غریبی که نزد شما ساکن است، مانند یک بومی در میان خود رفتار کنید و او را مانند خود دوست داشته باشید، زیرا شما در سرزمین مصر غریب بودید: من خداوند، خدای شما هستم.»

پایپر [با این بیان] به سرعت توسط ترامپ به عنوان «تازه از خواب بیدار شده» و مروج الهیات «غیرمسئولانه» برجسب گذاری شد. راسل مور، الهی‌دان آمریکایی،^{۲۰} سال‌ها پیش خاطرنشان کرد: «چندین کشیش، اساساً، داستان مشابهی را در مورد نقل قول از خطبه بالای کوه، به صورت پرائتز، در موعظه‌های خود - «گونه دیگر را برگردانید» - برای من تعریف می‌کنند تا کسی بعد از او بگوید: «این نکات لیبرال را از کجا آورده‌ای؟» [اشاره به برخی برداشت‌ها که نظر حضرت عیسی در مورد عدم کاربرد خشونت را نفی و این صحبت‌ها را برداشت‌های لیبرال توصیف می‌کنند]

الهیات انجیلی مسئولانه‌تر

من معتقدم که مسیحیان نباید به خدای مرگ خشونت‌آمیز،^{۲۱} بلکه به زندگی اعتقاد داشته باشند. کفار خشونت‌آمیز و آخرالزمان، خدایی را به تصویر می‌کشند که برتر از انتقام نیست و خدایی را که بیشتر بشریت را ناامید می‌کند. اگر خدا واقعاً در شرف پایان دادن به جهان با خشونت باشد، ما با مجموعه‌ای از سوالات نگران‌کننده روبرو می‌شویم. چرا لحن این الهیات شبیه لحن امپراتوری است که به جای ساختن پل [رفع اختلافات] با دشمنان، آنها را خرد می‌کند؟ چرا عیسی، به عنوان یک شخص از یک خدای واحد،^{۲۲} از پیروانش انتظار دارد که دشمنان خود را دوست داشته باشند - در حالی که خدای پدر در نهایت این کار را نمی‌کند؟ همه مسیحیان در ایالات متحده و فراتر از آن^{۲۳} باید الهیات خشونت‌آمیز^{۲۴} را به عنوان [تفکری] ناسازگار با عشق به خدا که بر روی صلیب تجلی یافته است، رد کنند.

^{۲۰} <https://www.newsweek.com/evangelicals-rejecting-jesus-teachings-liberal-talking-points-pastor-1818706>

^{۲۱} God of violent death

^{۲۲} <https://plato.stanford.edu/entries/trinity/>

^{۲۳} <https://www.cbc.ca/news/politics/fundamentalist-christian-movement-1.6793677>

^{۲۴} Violent theology

بیانیه مشترک کلیسای شاگردان/پیروان مسیح^{۱۲۵} لار آمریکا و کانادا و کلیسای متحد مسیح^{۱۲۶}

در باره حملات ایالات متحده و اسرائیل به ایران

(نشر در دوم مارس ۲۰۲۶ برابر با یازدهم اسفند ۱۴۰۴ شمسی)

« او در میان ملت‌ها داوری خواهد کرد و برای بسیاری از قوم‌ها داوری خواهد نمود؛ ایشان شمشیرهای خود را به گاو آهن و نیزه‌های خود را به قلاب‌های هرس تبدیل خواهند کرد؛ ملتی بر ملتی شمشیر نخواهد کشید و دیگر جنگ را نخواهند آموخت. » - اشعیا ۲:۴

پس از هفته‌ها تمرکز نظامی سنگین ایالات متحده در کنار مذاکرات جاری ایالات متحده و ایران درباره تسلیحات ایران، ایالات متحده و اسرائیل روز شنبه حمله بی دلیل جدیدی را به ایران آغاز کردند. این حمله نظامی مشترک، که در تهران و چندین استان ایران رخ داد، توسط رئیس‌جمهور ترامپ به عنوان «عملیات رزمی بزرگ»^{۱۲۷} توصیف شد. وی همچنین از مردم ایران خواست تا «حکومت خود را به دست بگیرند». این موج اولیه حملات منجر به پاسخ‌های متقابل ایران به امارات متحده عربی، بحرین، قطر و کویت، جایی که پایگاه‌های نظامی آمریکا وجود دارد، شده است که منجر به کشته شدن جان آمریکایی‌ها، همچنین [خساراتی] به اردن و اسرائیل، و اکنون لبنان گردید. حملات روز شنبه [۲۸ فوریه ۲۰۲۶] دومین باری است که در کمتر از یک سال، ایالات متحده همراه با اسرائیل بدون مجوز کنگره [آمریکا]، جنگی را علیه ایران آغاز کرده است.

از آوریل ۲۰۲۵، ایالات متحده و ایران در گفتگوهای شرکت داشته‌اند که هدف آن‌ها حل مسائل [ادعایی] مربوط به توانایی‌های نظامی ایران بود. در این مذاکرات، ایالات متحده تلاش کرد تا زیرساخت‌های هسته‌ای ایران را از بین ببرد، برنامه موشکی بالستیک آن را محدود نماید و حمایت ایران از متحدان منطقه‌ای‌اش را پایان دهد؛ در حالی که ایران بر مسئله هسته‌ای متمرکز مانده و خواسته‌های اضافی را «افراطی»^{۱۲۸} دانسته است. در سال ۲۰۱۵، دولت اوباما، همراه با چین، فرانسه، روسیه، بریتانیا و آلمان، با ایران توافق جامع اقدام مشترک (JCPOA) را امضا کرد که برنامه

^{۱۲۵} Christian Church, disciples of Christ

^{۱۲۶} United Church of Christ

^{۱۲۷} Major combat operations

^{۱۲۸} Excessive

هسته‌ای ایران را محدود می‌کرد و نوعی تسهیلات را از تحریم‌های ایالات متحده ارائه می‌داد. ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ تحت ریاست جمهوری ترامپ، یکجانبه از توافق مزبور خارج شد. [بعداً] رئیس‌جمهور بایدن اعلام کرد که قصد بازگشت به این توافق را دارد، اما هرگز این کار را انجام نداد. رئیس‌جمهور ترامپ، در دوره دوم ریاست جمهوری خود، ایران را به دنبال [تامین] «توافق بهتر» تحت فشار قرار داد، اما حتی در اوج [روند] مذاکرات، ایالات متحده پس از حمله اسرائیل به ایران در ژوئن ۲۰۲۵، مجموعه‌ای از حملات خود را علیه تأسیسات هسته‌ای ایران آغاز کرد؛ حملاتی که ترامپ در آن زمان ادعا کرد که مراکز هسته‌ای را «محو»^{۲۹} کرده است. «جنگ ۱۲ روزه» مذاکرات [سیاسی بین ایران و آمریکا] را پایان داد، اما در اکتبر ۲۰۲۵ مجدداً روند گفتگوها آغاز شدند، [این گفتگوها] تا هفته گذشته ادامه یافتند و قرار بود از سر گرفته شوند.

این عملیات نظامی ایالات متحده علیه ایران، بخشی دیگر از تاریخچه طولانی و دشوار بین دو کشور است که به سال ۱۹۵۳ میلادی باز برمی‌گردد. [در این سال] ایالات متحده، نخست‌وزیر ملی‌گرای ایران، محمد مصدق را سرنگون کرد و تا انقلاب ۱۹۷۹ ایران که [نظام] پادشاهی ایران جای خود را به [نظام] جمهوری اسلامی داد، تصرف سفارت آمریکا در تهران و گروگان‌گیری ۴۴۴ روزه دیپلمات‌های آمریکایی [تنش‌ها بین دو کشور] ادامه یافت. اخیراً، رئیس‌جمهور ترامپ دستور ترور فرمانده عالی ایرانی، قاسم سلیمانی، را در سال ۲۰۲۰ داد و از آنچه او «فشار حداکثری»^{۳۰} می‌نامد - ترکیبی از تحریم‌های سنگین و تهدیدهای نظامی - در برخورد با ایران استفاده کرده است. عملیات نظامی کنونی منجر به کشته شدن رهبر معظم جمهوری اسلامی، آیت‌الله علی خامنه‌ای، و سایر رهبران ارشد ایران، به همراه صدها شهروند ایرانی، از جمله دانشجویان یک مدرسه دخترانه در جنوب ایران، شده است.

شرکای ما در منطقه تأثیراتی را که تاکنون احساس کرده‌اند، به اشتراک گذاشته‌اند. اسقف حُسام نعمون،^{۳۱} اسقف کلیسای اپیسکوپال در بیت المقدس / اورشلیم، نوشت: «هر کشوری که اکنون در این نبرد درگیر است، و کسانی که بار اصلی ضربات تلافی‌جویانه را تحمل می‌کنند، در داخل مرزهای کلیسای ما زندگی می‌کنند.... ما از خداوند تقاضا داریم که از بی‌گناهان - مادران، کودکان و سالمندان - که در میان آتش متقاطع این «عملیات خشم عظیم»^{۳۲} و

^{۲۹} Obliterated

^{۳۰} Maximum pressure

^{۳۱} Archbishop Hosam Naoum

^{۳۲} Operation Epic Fury

«پاسخ‌های کوبنده»^{۱۳۳} متعاقب آن گرفتار شده‌اند، محافظت کند... ما همسایگان خود را به عنوان دشمن نمی‌بینیم، چه در تهران، تل‌آویو یا پایگاه‌های نظامی خلیج فارس.»

اسقف دکتر عماد حداد،^{۱۳۴} کلیسای لوتری انجیلی در اردن و سرزمین مقدس، اظهار داشت: «در مواجهه با جنگ دیگری در منطقه ما، دل‌هایمان پر از اندوه عمیق است.... ما باید با وضوح اخلاقی سخن بگوییم: تصمیم مستمر به رویارویی با جنگ، شکستی در مسئولیت‌پذیری انسانی در برابر خداوند است.... شرکای عزیز، شما را تشویق می‌کنیم: دعا کنید و با اشتیاق فراوان دعا نمایید. اما نگذارید دعا جایگزین مسئولیت شود. دعا‌های خود را با اقدامات شجاعانه و ملموس پیوند دهید. در کنار کسانی که آسیب دیده‌اند، به صورت علنی بایستید. برای صلحی عادلانه که کرامت و امنیت همه مردم را حفظ کند، به طور مداوم تلاش کنید. سیاست‌گذارانی را به چالش بکشید که روایت‌هایی ارائه می‌دهند که جنگ بی‌پایان را اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌دهند.»

کلیسای شاگردان مسیح و کلیسای متحد مسیح، به طور مستمر از دیپلماسی و پایبندی به قانون و کنوانسیون‌های بین‌المللی حمایت کرده‌اند، با مداخله نظامی و تشدید تحریم‌ها مخالفت کرده‌اند و بر پایبندی به «توافق جامع اقدام مشترک» تأکید ورزیده‌اند. با تشدید مجدد تهاجم ایالات متحده و اسرائیل به ایران، خطر نابودی گسترده‌جان‌ها و جوامع در ایران، منطقه خلیج فارس، اسرائیل، لبنان و جاهای دیگر، بسیار زیاد و غیرقابل پیش‌بینی است. تجاوز خطرناک فعلی، جنگ اسرائیل در خاورمیانه را با حمایت ایالات متحده گسترش می‌دهد که [این روند] یمن، سوریه، لبنان و کرانه باختری فلسطین و همچنین نسل‌کشی جاری در غزه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.^{۱۳۵} در حالی که شاهد هستیم ایالات متحده و اسرائیل قدرت نظامی خود را به نمایش می‌گذارند، ما از کلیساها و اعضای خود دعوت می‌کنیم تا با ما همراه شوند:

ما خواستار پایان این خصومت هستیم و مقامات منتخب خود را تشویق می‌کنیم تا تمام تلاش خود را در این راستا به کار گیرند، از جمله اعمال اقتدار کنگره و حمایت از قطعنامه [محدودسازی] اختیارات [رییس جمهور در] جنگ ایران؛

^{۱۳۳}Crushing responses

^{۱۳۴} The Holy Land's Bishop Dr. Imad Haddad

^{۱۳۵}. اشاره یاد شده به اینکه تجاوز خطرناک فعلی به ایران ادامه جنگ افزوزی اسرائیل در خاورمیانه است، در خور توجه می‌باشد چرا که به صورت ظریف یادآوری می‌کند: تا جلوی تجاوزگری‌های اسرائیل گرفته نشود بعید است آرامشی برای خاورمیانه و ملت‌های آن و حتی مردم آمریکا حاصل گردد. این دیدگاه در گذشته کمتر در جامعه آمریکا مطرح می‌شد اما پس از نسل‌زدایی در غزه، امروزه محافل متعددی اعم از دینی و غیر دینی این مهم را مورد تأکید قرار می‌دهند. (توضیح افزوده بر متن)

و همه طرف‌ها مجدداً وارد دیپلماسی با رعایت حُسن نیت شوند که صلحی پایدار را تامین کند و تمام مسائل معوقه، از جمله غنی‌سازی هسته‌ای را حل نماید.

ما از همه کشورها - خواه امضاکننده یا غیرامضاکننده معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) می‌خواهیم از تهدیدها و اقداماتی که خطر تشدید [خصومت] را به همراه دارند، خودداری کنند؛ و از مهار، محدود کردن و کاهش سلاح‌های هسته‌ای توسط همه دارندگان آن‌ها حمایت کنند.

ما از کشورهایی که امضاکننده معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیستند، دعوت می‌کنیم تا آن را امضا کنند و اینکه مقررات آن به طور مساوی توسط همه طرف‌ها تمکین شود.

ما با اشتیاق فراوان برای همه کسانی که تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، از جمله شرکای ما و همکاران مأموریتی ما در خاورمیانه، دعا می‌کنیم تا ایمن باشند و از آسیب بدور بمانند.

ما همچنان از صلح و عدالت برای همه مردم خاورمیانه، از جمله کسانی که بیشترین آسیب را دیده‌اند و مستقیماً تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند، حمایت می‌کنیم.

در زمان جنگ جاری، ما ایمان خود را به خدای صلح‌دوستی که نه جنگ را برکت می‌دهد و نه خواهان آن است، بلکه همه ملت‌ها را فرا می‌خواند تا «شمشیرهای خود را به گاو آهن و نیزه‌های خود را به قُلاب‌های هَرَس تبدیل کنند».

کشیش دکتر کارن جورجیا ای. تامپسون

رئیس و مدیر عامل کلیسای متحد مسیح

کشیش ترزا هورد اوونز

رئیس کلیسای مسیحی (شاگردان مسیح)

کشیش شری پرستمون،

معاون کلیسای متحد مسیح

کشیش دکتر لامار کو کیبل

مدیر اجرایی خدمات جهانی کلیسای مسیحی (شاگردان مسیح)